

ارزیابی تاثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانو)

بر توانمندسازی زنان در شهر تهران^۱

دکتر احمد غیاثوند*

دکتر حسن عماري**

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۶

چکیده

حضور گسترده زنان در عرصه اجتماع نقش بسزایی در بالندگی و پیشرفت کشور دارد. در همین راستا احداث و توسعه مجموعه‌های شهر بانو با هدف ظرفیت‌سازی و افزایش توانمندی بانوان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی می‌تواند مفید باشد. بنابراین مطالعه حاضر به بررسی ارزیابی تاثیر اجتماعی این مراکز بر ابعاد گوناگون توانمندسازی زنان می‌پردازد. این پژوهش به روش پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن را تمام زنان مراجعه‌کننده به مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴ شهرداری تهران تشکیل می‌دهد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۲۳۷ نفر برآورد شده و روش نمونه‌گیری، چندمرحله‌ای می‌باشد. نتایج بدست آمده بیانگر آن است که احداث مجموعه‌های شهربانو در مناطق مورد مطالعه و نیز استفاده زنان از آنها، توانسته در ابعاد گوناگون زنان را توانمند ساخته و توانایی‌ها و مهارت‌های آنها را گسترش دهد. دیگر یافته‌ها از طریق آزمون تحلیل عاملی پیرامون ابعاد گوناگون توانمندی نشان داد که میانگین نمره توانمندسازی فردی زنان برابر با ۴، توانمندسازی خانوادگی برابر با ۳/۶۱، توانمندسازی حرفه‌ای برابر با ۳/۳۶ و توانمندسازی اجتماعی برابر با ۳/۴۳ است. بر حسب ویژگی‌های فردی می‌توان بیان داشت که زنان خانه‌دار و دارای تحصیلات دیپلم بیشترین استفاده را از این مراکز دارند و نیز بیش از دیگران تحت تاثیر برنامه‌های این مجموعه‌ها هستند. در نهایت با توجه به روند استفاده مداوم زنان از این مراکز و افزایش مهارت‌ها و ظرفیت‌های آنها در ابعاد گوناگون می‌توان مطرح کرد که این مراکز می‌توانند موجبات تغییر در ارزش‌های عام‌گرایانه زنانه را به خاص‌گرایانه فراهم آورند که به نوبه خود نوعی فردگرایی زنانه را در جامعه دامن می‌زند.

واژه‌های کلیدی: زنان، جنسیت، مجموعه شهربانو، توانمندسازی زنان، شهرداری.

بیان موضوع

امروزه حضور گسترده زنان در عرصه اجتماع و نقش موثر آنان در جامعه انکار ناپذیر است. زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که توجه به این گروه، نقش بسزایی در بالندگی و پیشرفت کشور

۱- این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی با «عنوان ارزیابی پیوست اجتماعی پروژه مجموعه شهربانو» می‌باشد که با حمایت‌های مالی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۷ تهران انجام پذیرفته است.

ah.ghyasvand@gmail.com

* دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

** دکتری روانشناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور گیلان واحد آستانه.

دارد. از سوی دیگر؛ یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اجتماعی است. البته، هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبولی در مشارکت عادلانه زنان در توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های آنان برقرار نشده است. به تعبیر گیدنز «با وجود پیشرفت‌هایی که زنان در همه کشورهای جهان به دست آورده‌اند، تفاوت‌های جنسیتی همچنان شالوده نابرابری‌های اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

مطالعات اخیر صاحب‌نظران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته؛ نشان داده است که عوامل اجتماعی و فرهنگی، و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است. از این رو، در دهه ۱۹۸۰، به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد و به دنبال آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست؛ بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه مشارکت فعالانه داشته باشند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۷).

امروزه ساختار جامعه شهری در ایران به ویژه کلانشهر تهران، دستخوش دگرگونی‌های بسیاری گردیده است؛ به نحوی که می‌توان شاهد گذار از یک جامعه سنتی پر سابقه به سمت جامعه‌ای مدرن بود. آثار این تحول در حوزه توسعه شهر و شهروندی مدرن قابل تحلیل است. البته توجه به بحث توسعه و اجرای تغییرات هدفمند با بهره‌گیری از تمام نیروها و عناصر قابل استفاده در جامعه میسر است؛ بویژه این که حدود نیمی از جمعیت کشور ما را زنان تشکیل می‌دهند که به واسطه نقش‌های خانگی و اجتماعی خود سهم مهمی در توسعه و تحرک جامعه دارند. بر همین اساس بررسی نیازها و برآوردن آنها یکی از ضرورت‌هایی است که مسئولان و برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی در جامعه بایستی بدان توجه کنند. پس بایستی به دنبال طرح الگوها و راهکارهای مناسبی جهت ارتقای شرایط اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی زنان جامعه بود. این امر معلول احداث مجموعه و مراکزی است تا بتواند موجبات حضور آنها را در عرصه‌های اجتماعی میسر گرداند. از این رو، شهرداری تهران از سال ۱۳۸۶ در صدد ساخت فضاها و جنسیتی شده‌ای در قالب «مجموعه شهر بانو» بوده تا زنان شهر تهران به انجام و آموزش فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری پردازند.

«شهر بانو مرکزی زنانه است که سعی دارد بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی و .. زن مسلمان محجبه ایرانی را در یک محیط امن و سالم برآورده کند» (دستورالعمل اجرایی مراکز شهربانو، ۱۳۹۰). در این خصوص اولین مجموعه شهربانو در سال ۱۳۸۶ در منطقه ۸ شهرداری به صورت پایلوت راه‌اندازی شد. به دنبال آن مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۲، ۱، ۱۴، ۲۱، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۶ و ۲۲ احداث و در حال فعالیت می‌باشند. این مجموعه‌ها دارای کافی‌شاپ، کافی‌نت، پیرایش و گریم، ماساژ درمانی، کارگاه خوداشتغالی و عروسک‌سازی، سونا و جکوزی، مرکز آموزش، خانه اسباب بازی، سالن رزمی، سالن ایروبیکیک، سالن بدنسازی، سالن یوگا، کتابخانه و ... می‌باشد.

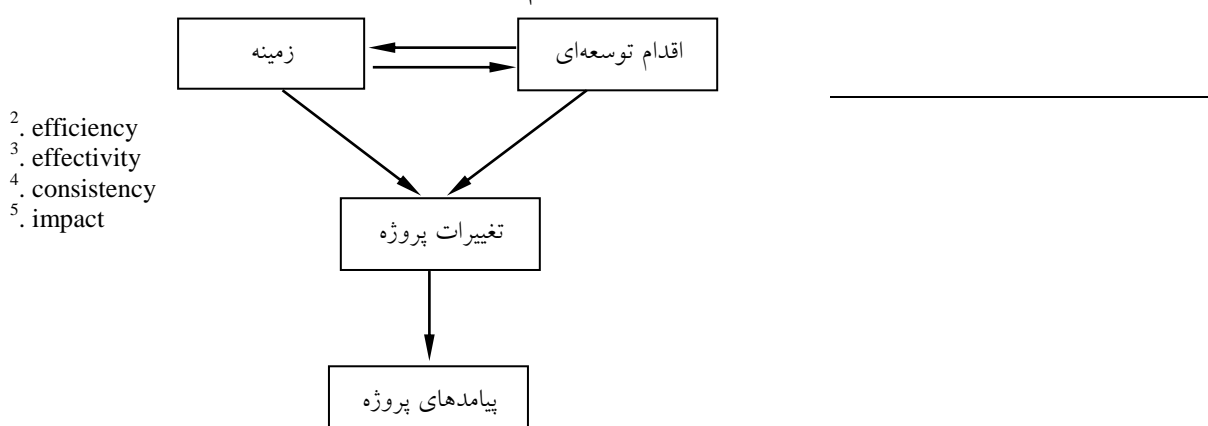
بر این اساس مطالعه حاضر به بررسی میزان توانمندسازی زنان استفاده کننده از این مراکز می پردازد. در واقع آنچه که می توان به عنوان جنبه پروبلماتیک موضوع مورد مطالعه از آن یاد نمود؛ نخست، این است که آیا بهره مندی زنان از این مراکز موجب توانمندسازی آنها در ابعاد گوناگون می گردد؟ دوم این که، بر حسب ویژگی های فردی و اجتماعی زنان این تاثیرگذاری چگونه قابل تبیین و تحلیل می باشد؟

ملاحظات نظری

بررسی میزان تاثیر استفاده از مجموعه های شهربانو بر زنان مراجعه کننده در قالب مطالعات «ارزیابی تاثیر اجتماعی» (اتا) قابل تحلیل و پیگیری می باشد. به عبارتی «امروزه هدف برآورد پیامدهای اجتماعی کسب اطمینان از این امر است که پروژه های توسعه (یا به عبارت دیگر مداخلات برنامه ریزی شده ای) که انجام می شوند، بیشترین منافع و کمترین هزینه ها را به همراه داشته باشند، به ویژه آن دسته از هزینه ها که بر اجتماع تحمیل می شوند» (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۱۷). «کریس روچ» به بیان تعریف مشترکی از ارزیابی تاثیر پروژه در مطالعات گوناگون می پردازد: ارزیابی تاثیر پروژه به معنای تحلیل نظام یافته تغییرات پایدار یا مهم - مثبت یا منفی؛ خواسته یا ناخواسته - در زندگی مردم است که در نتیجه عمل یا مجموعه اعمال معینی به وجود می آید (روچ، ۱۳۸۷: ۴۳). غالباً از این تعریف ها برای تشخیص تفاوت میان انواع گوناگون ارزیابی تاثیر پروژه، استفاده می شود؛ انواعی که به بررسی بهره وری^۲، اثربخشی^۳، همسازی^۴ و تاثیر^۵ یک مداخله می پردازند. در واقع هدف از این کار، برآورد و سنجش تأثیراتی است که ممکن است در اثر اجرای اقدامات توسعه ای به وجود آیند. بنابراین در بحث از ادبیات نظری پیرامون پیوست اجتماعی پروژه مجموعه شهر بانو بایستی تکیه را بر تغییرات و پیامدهای اجتماعی استفاده از این مراکز بر روی زنان دانست. در این راستا، چنانچه در مدل تحلیلی زیر دیده می شود تاثیر متقابل اقدام توسعه ای بر زمینه اجتماعی، شرایط یکسری تغییرات را فراهم می آورد. به دنبال آن وقتی مداخله در قالب تغییرات به عمل آمده صورت گرفت، منجر به پیامدهای اجتماعی مثبت/ منفی و یا کوتاه/ بلند مدت می گردد.

در واقع می توان اذعان داشت که وضعیت زمینه اجتماعی پروژه و نیز وضعیت کاربری ها و ساختار فیزیکی اقدام توسعه، موجب یکسری تغییرات می گردد که به دنبال آن آثار و پیامدهایی به همراه دارد. در این ارتباط، با توجه به سه ورودی زنان، اجتماع محله ای و مجموعه شهربانو می توان سه نوع تغییرات مداخله ای یعنی؛ (۱) تغییر در فرصت های اجتماعی مرتبط با زنان، (۲) تغییر در هنجارهای اجتماعی مرتبط با زنان و (۳) تغییر در فضاهای اجتماعی مرتبط با زنان را پیش بینی نمود. در این مطالعه صرفاً به بحث تغییر در فرصت های اجتماعی زنان پرداخته می شود و از سویی تکیه بحث بر روی تاثیر مجموعه های شهربانو بر توانمندسازی زنان می باشد.

نمودار ۱- فرایندهای رابطه زمینه و اقدام توسعه ای با پیامدهای پروژه



- 2. efficiency
- 3. effectivity
- 4. consistency
- 5. impact

کلمه "empowerment" در فارسی به معنای «توانمندسازی» ترجمه شده است. درباره توانمندی تعاریف متعددی ارائه گردیده است. در ادبیات مربوطه، برای تعریف این مفهوم به گستره‌ای وسیع از مفاهیمی مانند قدرت‌بخشی به افراد، تسلط بر انتخاب‌های خویش و حق انتخاب، افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، افزایش سرمایه‌ها، کنترل داشتن و دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است. برای نمونه «کلر و ام‌بی‌وو» (Keller & Mbwewe) (۱۹۹۱) توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کنند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد، دفاع می‌کنند (Malhatra, 2002: 5). در این خصوص نیز اشاره کرده‌اند که «هسته مفهوم توانمندسازی، ایده قدرت است؛ زیرا اگر قدرت بتواند تغییر کند، توانمندسازی ممکن می‌شود؛ در غیر این صورت توانمندسازی ممکن نیست. مفهوم توانمندسازی با اتکاء به مفهوم قدرت است که می‌تواند بسط یابد (Page & Czuba, 1999:3). «فارست» توانمندسازی زنان را به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای باز توزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقرا تعریف می‌کند (Forrest, 1999:101). به تعبیر «مالهاترا» اصولاً توانمندسازی یک فرایند محسوب می‌شود؛ یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت (نابرابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی) می‌باشد. این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در بر می‌گیرد (Malhatra, 2002: 7) به نقل از شکوری و دیگران، ۱۳۸۶). «توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود. توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های بنیانی است. توانمندسازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا می‌کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود و یا در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌گردد» (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ۱۳۷۲: ۱۴).

بنت (۲۰۰۲) توانمندسازی را به عنوان افزایش دارایی‌ها و توانایی‌های گوناگون افراد و گروه‌ها برای کارکردن و تأثیرگذار بودن تعریف می‌کند. اگومبه (۲۰۰۱) بیان می‌کند توانمندسازی زنان فرایندی پویا است که توانایی زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت فرودستی نگه داشته است را در برمی‌گیرد. این فرایند

به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند و موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آنها می‌شود. این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد؛ به این معنا که موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان می‌بینند (egombeh, 2001: 239). در این میان اجزای سازنده توانمندسازی زنان به شرح زیر می‌باشد:

- توانمندی اقتصادی: شامل متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس انداز می‌شود.

- توانمندی روانی: شامل متغیرهای افزایش عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و افزایش خوداثربخشی می‌باشد.

- توانمندی اجتماعی: شامل متغیرهای تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، مشارکت اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل حضور در فضاهای عمومی می‌باشد.

- توانمندی سیاسی: شامل متغیرهای افزایش مشارکت سیاسی، مبارزه برای حقوق برابر و حذف تبعیض علیه زنان می‌باشد (شادی طلب، ۱۳۸۳: ۲۳).

از بررسی تعاریف گوناگون مشخص می‌شود که توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال می‌باشد و به قول کبیر (۲۰۰۲) از عوامل تسریع کننده توانمندسازی به شمار می‌آید. دومین عنصر عاملیت می‌باشد، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تاثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند (Malhatra, 2002: 7). سومین عنصر هم دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شود (سن، ۱۳۷۹: ۵۹).

به طور کلی توانمندسازی زنان از دو طریق میسر می‌شود: الف) حذف عواملی که مانع از فعالیت زنان می‌شود.

در این مورد می‌توان به خلاءهای قانونی که موجب عدم فعال بودن زنان در ایران می‌شود اشاره کرد: عدم حضور فعال زنان در سیاست‌گذاری مستقیم دولتی و غیر دولتی اداری و غیر اداری، حذف باورهای سنتی یا به اصطلاح فرهنگ‌سازی جنسیتی در توانمندسازی زنان، حذف خشونت علیه زنان و کاهش تبعیض جنسیتی.

ب) افزایش توانایی و قابلیت آنان که در این مورد می‌توان معیارهای ذیل را مورد توجه قرارداد:

- آگاهی و آموزش زنان: ارائه کلیشه‌های تحقیرکننده همراه با تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی و رسانه‌های عمومی باعث تزلزل مقام و منزلت زنان شده و قابلیت‌های انسانی ایشان را از بین برده است. البته باید دانست که آموزش فقط محدود به کتاب‌های درسی نمی‌شود بلکه باید کادرآموزشی را نیز از عواقب رفتارها و نگرش‌هایشان آگاه نمود و به اصطلاح دید و نگاه جنسیتی باید بین تمام آموزگاران علم و عمل وجود داشته باشد و مهمترین مشکل در این مسائل کپی برداری از قوانین و مقررات موجود در کشورهای توسعه یافته است بدون توجه به مسایل انسانی منطقه‌ای، بومی و مذهبی. البته در این مورد می‌توان تقویت ظرفیت سازی علمی، انسانی، اجرایی لازم برای توانمندسازی زنان در تمام سازمان‌ها را نیز توصیه کرد. «مور بیان می‌دارد برای اینکه زنان از پایگاه خود

در زندگی رضایت بیشتری حاصل کنند، باید بهبود آموزش و تحصیل زنان را خواستار بود» (به نقل از برناد، ۱۳۸۴: ۸۲).

- قراردادن توانمندسازی زنان در رأس امور و مسایل کشور و بویژه در قانونگذاری کشور: اصل ۲۱ قانون اساسی که قانون مادر کشور ما محسوب می‌شود دولت را موظف کرده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و برای ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او تدابیر لازم را اتخاذ نماید، با توجه به این اصل، دولتمردان صراحتاً در جهت احیای حقوق زنان موظف شده‌اند، اما در بعضی موارد از جمله مسائل مربوط به ازدواج، طلاق، باروری و بهداشت جنسی و... قوانین و تغییرات لازم در قوانین از بسیاری از داورهای غلط و خرده‌گیری‌های جوامع بین‌المللی می‌کاهد و چه بسا ممکن است در این بازنگری‌ها نکاتی به نظر آید که با تغییر آنها بتوان اصل ۲۱ قانون اساسی را بدون داورهای غیر منصفانه، در راستای اعتلای حقوق زنان به اجرا در آورد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

با توجه به روند توسعه، زنان در ایران نیاز مبرمی به معیارهای دیگری دارند که هرچه توانمندتر بتوانند به این روند کمک کنند. از این جهت پیشنهاد می‌شود که دو معیار کلی مهارت و حمایت به ۵ معیار کلی توانمندسازی برای زنان اضافه گردد. در مورد مهارت می‌توان یادآور شد که آموزش نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کند و در این زمینه باید از کمک مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی استفاده نمود. داشتن مهارت برای زنان در ایران را شاید بتوان از مصادیق داشتن آگاهی مطرح کرد، اما در بحث تخصصی بین مهارت و آگاهی فاصله بسیاری وجود دارد. مهارت داشتن توانایی برای انجام آگاهی می‌باشد. در مورد حمایت موضوع بسیار وسیع است. زیرا حمایت دارای جنبه‌های متفاوتی می‌باشد، از جمله حمایت شخصی (در خانواده‌ها از طریق اعضاء خانواده)، دولتی (از طریق اعمال قدرت توسط هر سه قوه دولتی بویژه قوه مقننه و قضائیه) و غیر دولتی (اعمال قدرت از طریق نهادهای غیر دولتی فعال در زمینه زنان).

در مجموع با توجه به نابرابری‌های جنسیتی موجود در سطح جوامع و تاثیر منفی این نابرابری‌ها بر روند توسعه، پیش‌بینی می‌شود که ساخت و گسترش مجموعه‌های شهر بانو در سطح شهر تهران به ویژه در مناطق شهر موجب توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون می‌گردد.

روش پژوهش

این مطالعه به روش پیمایش انجام گرفته و جامعه آماری آن را تمام زنان استفاده کننده از مجموعه‌های شهربانو در چهار منطقه شهرداری تهران (۸، ۱۴، ۱۵ و ۱۶) در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. در این راستا، تعداد نمونه لازم برابر با ۲۳۷ نفر برآورد گردیده و شیوه نمونه‌گیری به روش چندمرحله‌ای بوده است.

در بحث از تعریف مفهوم توانمندسازی زنان می‌توان آن را فرایندی دانست که منجر به توسعه و گسترش توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و مهارت‌های فردی و اجتماعی زنان می‌گردد، به نحوی که به دنبال آن پیشرفت از یک موقعیت (نابرابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی) را برای آنها میسر می‌گرداند. بر این اساس با توجه به اینکه مجموعه‌های شهربانو به عنوان مرکزی زنانه عهده‌دار ارائه خدمات گوناگون به بانوان مناطق و فرزندان

دخترشان است، در واقع ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان هر منطقه از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای، کلاس‌ها و بروشورهای آموزشی، ترویج فرهنگ ورزش و... ایجاد بسترهای مناسب جهت کسب مهارت‌های تولیدی با رویکرد اشتغال‌زایی به منظور ارتقاء فرهنگ تولید در خانواده و جامعه از دیگر زمینه‌هایی است که مراکز شهربانو در آن فعالیت می‌کنند. بر این اساس در این مطالعه به سنجش چهار بُعد توانمندسازی فردی، خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای در بین زنان پرداخته‌ایم. برای اجرا و انجام پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شده و نیز برای بررسی سنجش اعتبار متغیر توانمندسازی زنان از اعتبار صوری بهره گرفته‌ایم. در مرحله بعد از طریق آزمون تحلیل عاملی به بررسی اعتبار سازه این مفهوم پرداخته شده است. همچنین از آزمون آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده گردید، به نحوی که نتیجه محاسبات برآورد پایایی معرف‌های مفهوم توانمندسازی زنان حاکی از آن است که مقدار ضریب آلفا در سطح مطلوبی است ($\text{Alpha}=0/76$).

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان استفاده کننده از مجموعه‌های شهربانو (۶۳/۵ درصد) متأهل بوده و در مقابل حدود ۳۰/۵ درصد مجرد و نیز ۶ درصد همسر فوت شده یا طلاق گرفته بوده‌اند. طبق نتایج به دست آمده میانگین سن افراد حدود ۳۳ سال است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم (۴۲ درصد) و لیسانس‌اند (۲۹ درصد). در این میان نیز حدود ۲ درصد ابتدایی، ۷ درصد راهنمایی، ۵ درصد متوسطه، ۶ درصد کارشناسی ارشد و کمتر از یک درصد دکتری داشته‌اند. در خصوص وضعیت اشتغال مراجعان نتایج نشان می‌دهد که حدود یک‌پنجم شاغل‌اند (۲۰/۵ درصد)، ۱۷/۵ درصد دانشجو یا محصل، حدود نیمی (۴۹ درصد) خانه‌دار، ۸/۵ درصد بیکار و ۴ درصد بازنشسته‌اند.

ب) وضعیت توانمندسازی زنان

جهت مطالعه تاثیر مجموعه شهربانو بر توانمندسازی زنان ۱۲ معرف در نظر گرفته شد. با توجه به ارقام مندرج در جدول ۱، جمع درصد گزینه‌های «خیلی بیشتر شده» و «بیشتر شده» نشان می‌دهد که ۸۹ درصد افراد به احساس نشاط و سرزندگی، ۷۵ درصد به احساس استقلال فردی، ۶۹ درصد به بهبود سلامت جسمانی، ۸۳ درصد به احساس امنیت و آرامش روحی، ۸۵ درصد به احساس موثر و مفید بودن، ۴۷/۵ درصد به یادگیری یک شغل و حرفه، ۵۴/۵ درصد به احساس مسئولیت نسبت به امور جامعه، ۵۳/۵ درصد به مشارکت در فعالیت‌های جمعی، ۲۹/۵ درصد به شرکت در امور خیریه، ۱۴/۵ درصد به کسب درآمد برای خود و خانواده، ۵۰ درصد به احساس مسئولیت نسبت به امور خانه و خانواده و در نهایت ۶۷ درصد به یادگیری برخی از مهارت‌های زندگی اشاره کرده‌اند.

جدول ۱- توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب معرف‌های میزان توانمندسازی زنان

جمع	بی‌جواب	خیلی کمتر شده	کمتر شده	فرقی نکرده	بیشتر شده	خیلی بیشتر شده	تعداد	استفاده شما در این مدت از مجموعه شهر بانو چه آثار و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی در پی داشته است؟
۲۳۷	-	-	۱	۲۵	۱۴۴	۶۷	تعداد	احساس نشاط و سرزندگی
۱۰۰	-	-	۰/۵	۱۰/۵	۶۱	۲۸	درصد	
۲۳۷	۱	-	۱	۵۷	۱۴۲	۳۶	تعداد	احساس استقلال فردی
۱۰۰	-	-	۰/۵	۲۴	۶۰	۱۵	درصد	
۲۳۷	-	-	۴	۶۹	۱۲۶	۳۸	تعداد	وضعیت سلامت جسمانی
۱۰۰	-	-	۲	۲۹	۵۳	۱۶	درصد	
۲۳۷	-	-	۱	۳۹	۱۵۰	۴۷	تعداد	احساس امنیت و آرامش روحی
۱۰۰	-	-	۰/۵	۱۶/۵	۶۳	۲۰	درصد	
۲۳۷	۱	-	-	۳۶	۱۴۷	۵۳	تعداد	احساس موثر و مفید بودن
۱۰۰	-	-	-	۱۵	۶۲	۲۳	درصد	
۲۳۷	۲	-	۱	۱۲۲	۸۶	۲۶	تعداد	یادگیری یک شغل و حرفه
۱۰۰	-	-	۰/۵	۵۲	۳۶/۵	۱۱	درصد	
۲۳۷	۲	-	-	۱۰۷	۱۰۷	۲۱	تعداد	احساس مسئولیت نسبت به امور جامعه
۱۰۰	۲	-	-	۴۵/۵	۴۵/۵	۹	درصد	
۲۳۷	-	-	۲	۱۰۸	۱۱۵	۱۲	تعداد	مشارکت در فعالیت‌های جمعی
۱۰۰	-	-	۱	۴۵/۵	۴۸/۵	۵	درصد	
۲۳۷	۱	-	۳	۱۶۳	۶۹	۱	تعداد	شرکت در امور خیریه
۱۰۰	-	-	۱/۵	۶۹	۲۹	۰/۵	درصد	
۲۳۷	-	-	۱	۲۰۱	۳۰	۳	تعداد	کسب درآمد برای خود و خانواده
۱۰۰	۲	-	۰/۵	۸۵	۱۳	۱/۵	درصد	
۲۳۷	۱	۱	۷	۱۱۰	۱۰۶	۱۲	تعداد	احساس مسئولیت نسبت به امور خانه و خانواده
۱۰۰	-	۰/۵	۳	۴۶/۵	۴۵	۵	درصد	
۲۳۷	-	-	۱	۷۶	۱۴۸	۱۲	تعداد	یادگیری برخی از مهارت‌های زندگی
۱۰۰	-	-	۰/۵	۳۲	۶۲	۵	درصد	

برای بررسی تاثیر مجموعه شهربانو بر توانمندسازی زنان از آزمون کای اسکوئر تک متغیره (X^2) استفاده نموده‌ایم. چنانچه دیده می‌شود در تمام ۱۲ معرف مورد سنجش، تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع مشاهده می‌گردد که بیشترین فراوانی متعلق به گزینه‌های «خیلی بیشتر شده» و «بیشتر شده» می‌باشد؛ پس می‌توان بیان داشت ساخت مجموعه‌های شهربانو در مناطق مورد مطالعه، توانسته در ابعاد گوناگون زنان را توانمند سازد و توانایی‌ها و مهارت‌های آنها را گسترش دهد.

جدول ۲- نتایج آزمون کای اسکوئر تک متغیره بین معرف‌های توانمندسازی زنان

معرف‌ها	میانگین	آزمون	معرف‌ها	میانگین	آزمون
---------	---------	-------	---------	---------	-------

$X^2=63$ $S=0/000$	۳/۶۳	احساس مسئولیت نسبت به امور جامعه	$X^2=199$ $S=0/000$	۴/۱۸	احساس نشاط و سرزندگی
$X^2=185$ $S=0/000$	۳/۵۸	مشارکت در فعالیت‌های جمعی	$X^2=182$ $S=0/000$	۳/۹۱	احساس استقلال فردی
$X^2=295$ $S=0/000$	۳/۲۹	شرکت در امور خیریه	$X^2=135$ $S=0/000$	۳/۸۴	وضعیت سلامت جسمانی
$X^2=468$ $S=0/000$	۳/۱۵	کسب درآمد برای خود و خانواده	$X^2=205$ $S=0/000$	۴/۰۳	احساس امنیت و آرامش روحی
$X^2=262$ $S=0/000$	۳/۵۳	احساس مسئولیت نسبت به امور خانه و خانواده	$X^2=90$ $S=0/000$	۴/۰۸	احساس موثر و مفید بودن
$X^2=232$ $S=0/000$	۳/۷۳	یادگیری برخی از مهارت‌های زندگی	$X^2=155$ $S=0/000$	۳/۵۹	یادگیری یک شغل و حرفه

ج) آزمون تحلیل عاملی توانمندسازی زنان

در ادامه به تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های گوناگون توانمندسازی زنان پرداخته شد. در این خصوص نتایج اولین آماره تحلیل عاملی با عنوان کیزر مایر برابر با $KMO=0/76$ می‌باشد که دلالت بر تأیید تحلیل عاملی دارد. آماره بارتلت مناسب بودن داده‌ها را برای تحلیل عاملی نشان می‌دهد که نتایج آن برابر با $BT=454$ می‌باشد و سطح معناداری بدست آمده مطلوب است ($Sig=0/000$). در این تحلیل جهت گزینش تعداد عامل‌ها از مقدار ویژه (Eigen value) کمک گرفته شده است. از این رو، در مجموع با استفاده از چرخش متعامد از نوع وریماکس (Varimax) چهار عامل استخراج شده است. در جدول ۳ سهم هر عامل مشخص و معرف‌های مربوط بدان گزارش شده است. چنانچه با دقت به نتایج بدست آمده توجه داشته باشیم می‌توان چهار بُعد توانمندسازی فردی، خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی را استنباط نمود. با توجه به نتایج بدست آمده حدود نیمی از ابعاد و معرف‌های توانمندسازی احصاء گردیده است که در این میان بیشترین میانگین متعلق به توانمندسازی فردی با میانگین نمره ۴ و در مقابل کمترین توانمندسازی مربوط به بُعد اجتماعی به میانگین ۳/۴۳ می‌باشد.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی درباره ابعاد توانمندسازی زنان

ابعاد توانمندسازی	گویه‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
توانمندسازی فردی میانگین = ۴	احساس امنیت و آرامش روحی	۰/۶۷۷			
	احساس نشاط و سرزندگی	۰/۶۰۹			
	وضعیت سلامت جسمانی	۰/۶۰۹			
	احساس استقلال فردی	۰/۶۰۶			
	احساس موثر و مفید بودن	۰/۵۹۸			
توانمندسازی خانوادگی	یادگیری برخی از مهارت‌های زندگی		۰/۹۹۱		

		۰/۳۴۰		احساس مسئولیت نسبت به امور خانه و خانواده	میانگین = ۳/۶۱
	۰/۵۰۰			یادگیری یک شغل و حرفه	توانمندسازی حرفه‌ای
	۰/۴۱۰			کسب درآمد برای خود و خانواده	میانگین = ۳/۳۶
۰/۵۲۰				مشارکت در فعالیت‌های جمعی	توانمندسازی اجتماعی
۰/۳۵۱				شرکت در امور خیریه	میانگین = ۳/۴۳
۶	۷	۱۱	۱۹	درصد واریانس تبیین شده	ضریب تبیین
۴۳	۳۷	۳۰	۱۹	درصد تراکمی واریانس تبیین شده	

د) رابطه ویژگی‌های فردی با میزان توانمندسازی زنان و ابعاد آن

بررسی نتایج بدست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین دو متغیر میزان استفاده از مجموعه شهربانو با شاخص کل توانمندسازی تفاوت معناداری وجود دارد ($S=۰/۰۰۱$). این یافته بدین معناست که هر چه میزان میزان زمان بهره‌مندی زنان از مجموعه‌های شهربانو بیشتر باشد؛ بر توانمندسازی آنها افزوده می‌شود. این یافته در راستای نتایج آزمون کای اسکوئر تک متغیره یاده شده می‌باشد که نشان داد استفاده زنان از این مراکز نسبت به گذشته بر توانمندسازی آنها افزوده است. همچنین بین میزان استفاده از مجموعه شهربانو با میزان توانمندسازی حرفه‌ای و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه زنان بتوانند از این فضاها استفاده نمایند؛ بر میزان توانمندسازی آنها در این دو بُعد افزوده می‌شود.

جدول ۴- نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان استفاده از مجموعه با شاخص و ابعاد توانمندسازی

ابعاد توانمندسازی	فردی	خانوادگی	حرفه‌ای	اجتماعی	کل
میزان استفاده از مجموعه	$r=۰/۱۶$	$r=۰/۱۱$	$r=۰/۱۶$	$r=۰/۱۸$	$r=۰/۲۳$
	$S=۰/۰۱$	$S=۰/۰۸$	$S=۰/۰۱$	$S=۰/۰۰۶$	$S=۰/۰۰۱$

در بررسی رابطه بین سن زنان با شاخص کل توانمندسازی تفاوت معناداری دیده نشد. این یافته بدین معناست که زنان و دختران سنین گوناگون به یک اندازه تحت تاثیر فعالیت‌های مجموعه‌های شهربانو بوده‌اند. البته بین سن با توانمندسازی فردی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و در مقابل بین سن با توانمندسازی خانوادگی رابطه منفی و معنادار به دست آمده است؛ یعنی با افزایش سن، میزان توانمندسازی خانوادگی کاهش می‌یابد. البته به نظر می‌رسد این وضعیت بیشتر تحت تاثیر وضع تأهل افراد باشد.

جدول ۵- نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر سن با شاخص و ابعاد توانمندسازی

ضرایب همبستگی	فردی	خانوادگی	حرفه‌ای	اجتماعی	کل
سن زنان	$r= ۰/۱۵$	$r= -۰/۱۵$	$r=۰/۰۲$	$r=۰/۰۰۱$	$r=۰/۰۳$
	$S=۰/۰۲$	$S=۰/۰۲$	$S=۰/۷۶$	$S=۰/۹۹$	$S=۰/۵۹$

نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در خصوص رابطه وضعیت اشتغال با ابعاد و شاخص توانمندسازی تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؛ در این باره استفاده از آزمون پس از معناداری شفه نیز بیانگر آن است که در بُعد توانمندسازی حرفه‌ای، زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار و محصل تحت تاثیر برنامه‌ها و دوره‌های مجموعه شهریانو بوده‌اند. همچنین در شاخص کل توانمندسازی، زنان خانه‌دار به طور معناداری بیش از دختران محصل و دانشجو توانمند گردیده‌اند. البته چنانچه بیان شد حدود نیمی از زنان نمونه، خانه‌دار بوده و بیشترین استفاده را از برنامه‌ها و دوره‌های این مراکز داشته‌اند. یافته‌های دیگر بین وضع تأهل با شاخص و ابعاد توانمندسازی تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. البته رابطه مقاطع تحصیلی با توانمندسازی خانوادگی، حرفه‌ای، اجتماعی و شاخص کل توانمندسازی معنادار گردیده است؛ به نحوی که میانگین نمره توانمندسازی زنان دارای تحصیلات دیپلم بیشتر از افراد بالاتر از دیپلم می‌باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون تحلیل واریانس بین ویژگی های فردی با ابعاد توانمندسازی زنان

کل	اجتماعی	حرفه‌ای	خانوادگی	فردی	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه	
۴۰/۷	۶/۹	۶/۶	۷/۳	۱۹/۹	زیر دیپلم	مقاطع تحصیلی
۴۱/۴	۷	۶/۹	۷/۴	۲۰/۱	دیپلم	
۴۰/۱	۶/۷	۶/۵	۷	۱۹/۹	بالاتر از دیپلم	
s=۰/۰۴	s=۰/۰۴	s=۰/۰۰۱	s=۰/۰۲	s=۰/۸۶	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه	
۴۰/۷	۶/۸	۶/۸	۷/۲	۱۹/۶	مجرد	وضع تأهل
۴۰/۸	۶/۸	۶/۶	۷/۲	۲۰/۲	متأهل	
۳۹/۸	۶/۷	۶/۹	۶/۹	۱۹/۲	سایر	
s=۰/۴۰	s=۰/۷۳	s=۰/۴۵	s=۰/۴۵	s=۰/۱۴	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه	
۴۰/۷	۶/۸	۷	۷	۱۹/۸	شاغل	وضعیت اشتغال
۳۹/۳	۶/۶	۶/۵	۷	۱۹/۲	محصل	
۴۱/۳	۶/۹	۶/۶	۷/۴	۲۰/۳	خانه‌دار	
۴۱/۸	۶/۸	۶/۹	۷/۴	۲۰	بیکار	
۴۰/۴	۶/۸	۶/۴	۶/۷	۲۰/۵	بازنشسته	
s=۰/۰۳	s=۰/۳۲	s=۰/۰۴	s=۰/۰۵۶	s=۰/۱۲	آزمون تحلیل واریانس یکطرفه	

نتیجه‌گیری

توجه به آثار و پیامدهای برنامه‌ریزی اجتماعی در قالب ارزیابی تاثیر اجتماعی بیانگر ظرفیت این نوع مطالعه برای تحلیل جنسیتی پروژه‌های شهری است تا بتوان آثار منفی و مثبت آنها را مطالعه و پیش‌بینی کرد. این از آن‌روست که گاه یک اقدام توسعه‌ای با هدف تقویت و در راستای توانمندسازی زنان و بهره‌مندی آنها صورت می‌گیرد تا موجبات حضور بیشتر آنها را در عرصه اجتماع فراهم آورد؛ اما در بعضی مواقع ممکن است نتیجه‌ای معکوس به

همراه داشته باشد. بنابراین چنانچه نتایج حاصل نشان داد عمده‌ترین نوع تغییرات مداخله‌ای مجموعه‌های شهربانو، تغییر در فرصت‌های اجتماعی مرتبط با زنان می‌باشد که در قالب توانمندسازی مورد مطالعه قرار گرفت. در واقع استفاده زنان از این مراکز موجب گردیده که در مقایسه با قبل، در ابعاد گوناگون توانمند شوند. این یافته از طریق آزمون کای‌اسکوئر تک متغیره تأیید شده و نیز رابطه آماری استفاده زنان از مجموعه با شاخص و ابعاد توانمندسازی معنادار شده است. البته به طور دقیق‌تر می‌توان بیان داشت که زنان خانه‌دار و دارای تحصیلات دیپلم بیشترین استفاده را از این مراکز دارند و نیز بیش از دیگران تحت تاثیر برنامه‌های این مجموعه‌ها هستند. دیگر یافته‌ها از طریق آزمون تحلیل عاملی نشان دادند که میانگین نمره توانمندسازی فردی زنان برابر با ۴، توانمندسازی خانوادگی برابر با ۳/۶۱، توانمندسازی حرفه‌ای برابر با ۳/۳۶ و توانمندسازی اجتماعی برابر با ۳/۴۳ است. در دراز مدت روند استفاده مداوم زنان از این مراکز و افزایش مهارت‌ها و ظرفیت‌های آنها در ابعاد گوناگون می‌تواند موجبات تغییر در ارزش‌های عام‌گرایانه زنانه به خاص‌گرایانه آنها گردد که به نوبه خود به نوعی فردگرایی زنانه در جوامع مدرن دامن می‌زند. به تعبیر «جسی‌برناد» این تغییر و تمایلات ارزشی و هنجاری را می‌توان تغییر در دنیای زنان تفسیر نمود؛ زیرا به زعم وی، دنیای زنان به لحاظ اجتماعی به ماهیت ماقبل مدرن (گماین‌شافت) و به لحاظ فرهنگی به روحیه و عشق‌های ایثارگرانه، وظیفه، دلسوزی و فداکاری نزدیک است و دنیای مردان به جامعه مدرن از نوع گزل‌شافتی تونیس؛ یعنی فردگرایانه، عقلانی و قراردادی نزدیک است (برناد، ۱۳۸۳: ۷۶). بازتاب این تغییر در گرایش و ارزش‌ها را می‌توان در توجه بیشتر زنان جامعه شهری تهران به سلامتی روانی‌شان مشاهده نمود. بنابراین در بیشتر موارد شاهد شرکت فزاینده زنان و دختران در کلاس‌های ورزشی (آیروبیک، بدنسازی، شنا و...)، آموزشی (زبان، کامپیوتر و...) و هنری می‌باشیم. بنابراین بهره‌مندی از این فضاهای جنسیتی شده در عین این که موجبات توانمندسازی زنان را به همراه دارد، در آینده موجب تغییر در دنیای زنان می‌گردد و نیز زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا زنان جامعه بتوانند در عرصه‌های عمومی حضور بیشتری داشته باشند.

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی زنان** (منیژه نجم عراقی)، تهران: نشر نی.
- برج، رابل جی. (۱۳۸۹)، **راهنمای عملی ارزیابی تاثیرات اجتماعی**، ترجمه: محمد علی رضائی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- برناد، جسی. (۱۳۸۴)، **دنیای زنان**، ترجمه: شهرزاد ذوفن، نشر اختران.
- بکر، هنک و فرنک ونکلی. (۱۳۸۸)، **راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی**، ترجمه: هادی جلیلی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، انتشارات جامعه‌شناسان.
- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد. (۱۳۷۲)، **نقش زنان در توسعه**، تهران: روشنگران.
- روج، کریس. (۱۳۸۷)، **ارزیابی تاثیر پروژه**، ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: نشر اختران.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱)، **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه: وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول.

- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱)، **توسعه و چالش‌های زنان ایران**، تهران: نشر قطره.
- شکوری، علی. (۱۳۸۷)، **سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- کتابی، محمود و دیگران. (۱۳۸۲)، **توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه**، فصلنامه پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۷.
- گرت، استفانی. (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمه: بقایی، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لانگه، سارا. (۱۳۷۲)، «**معیارهایی برای توانمندسازی زنان**»، نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.
- میشل، آندره. (۱۳۸۱)، **پیکار با تبعیض جنسی**، ترجمه: محمد پوینده، تهران: نشر چشم.
- Burdge, R. J. (1995). **A community guide to social impact assessment**. Middleton, Wis: Social Ecology Press.-
- Forrest. W.D (1999). **Citizenship and Empowerment**, Oxford University Press and **Community Development Journal**, Vol. 34 No. 4.
- Kabeer, N. (2003). **Gender Mainstream in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals: A Handbook for Policy Markers and Other Stakeholders**, London: Common Wealth Secretariat.
- Malhatra, S. R. Schuler and C. Bonender. (2002). **Measuring Women Empowerment as a Variable in International Development**, <http://sitere Source. Worldbank.org>.